

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

جو کشور نياشد تن من ميااد
بدین بوم ویر زنده یک تن ميااد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین - ۱۵ سپتمبر ۲۰۱۶

پرواز چون عقاب فلکتاز می کند

چنان که خوانندگان و علاقه‌گیران گرامی پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" دانند، روز ۱۸ اگست؛ یعنی چیزی کمتر از یک ماه پیش، هشتمین سال تأسیس میمون این صفحه مبارز تجلیل شد. بدین مناسب، تعداد کثیری از هواخواهان و همکاران، پیامهای تبریک و زه و تحسین و آفرین فرستادند، که یکایک صفحات این جریده سرباز را مزین ساختند. آخرین پیام تهنیت، از جناب "الحاج خلیل الله ناظم باختری"، شاعر والاسخن و وارسته و همکار دائمی ما بود، در هیئت منظوم، که صفحه سیزدهم سپتمبر پورتال را رونق و صفاء بخشید. بسیار می سزد، که پارچه زیبای ایشان را به قسم "تکرار حسن" و "قند مکرر" مجدداً از نظر خواننده عزیز بگذرانم، بالخاصه که این منظومه زیبا دنباله ای دارد و ضمن این مقال به حیث "استقبال" تقدیم می‌گردد:

همّت آزادگان

چرخ فلک، که بخت ترا باز می کند
گردون ببین، که باز چه اعجاز می کند
هرکس، که چشم خود به جهان باز می کند
سیر تفکر است، که آغاز می کند
همچون عقاب نامور و مرغ تیزپر
شهبال خود کشوده و پرواز می کند
نقاش روزگار قلم می زند، مگر
کلک طبیعت است، که پرداز می کند
صد آفرین، به همّت آزادگان ما
مردانه زندگانی به اعزاز می کند
جشن نجات میهن و تجلیل پایدار
مردم سرور و شادی و هم ساز می کند

وحدت نصیب خطه افغانیان نشد

{ناظم} سخن به واقعیت ابراز می کند

منظومه ناظم صاحب، که در قالب "غزل" سروده شده، چنان در دلم نشست و به گفته کابلیان "ششت"، که به وجدم آورد تا از آن استقبال نمایم. چون این پارچه را هم از نظر وزن و آهنگ و هم از نگاه ردیف و قافیه، سخت دلنشین و گوشنواز یافتم. ولی پیشکش سطوری را قبل از استقبالیه خود، لازم می دانم:

ناظم صاحب اشعار دلنواز و احساس برانگیز فراوان سروده است و در وصف وطن و عشق وطن، کمتر شاعری را سراغ دارم، که در حدّ وی سخن پرورده باشد. در آخر غزلی زیبنده، این دو بیت پاینده را انشاد فرموده است:

ای وطن! قربان گرد و خاک تو بهتر از خاک تو دیگر خاک نیست
سرمه چشمان "ناظم" می شود گرد و خاکت درخور افلاک نیست

چه قدر بجای است و شایسته، که این دو بیت پرطنین، به خط زرین نوشته شده، ورد زبانها گردد و طاق و رواق وطندوستان را منور گرداند!!!

این دو بیت از طبع کسی تراویده، که عاشق وطن است و عاشق دلسوخته گرد و خاک و خس و خاشاک و سنگ و چوب و خار خار آن!!!

این دو بیت، به نکویی و زیبایی ترانه باشکوه "دا ز مور زیبا وطن" شادروان "ملنگ جان" است، که در وصف "افغانستان" به زبان ارجمند پشتو سرود و از حنجره سحاره "استاد اولمیر" فقید جاودانه گشت؛ و ثبت "دفتر ایام". همین نغمه دلپذیر است، که در تمام جشنها و خوشیها و محافل سور و سرور افغانها به حیث "سؤال حتمی" و تاج سر تمام ترانه ها جای دارد. چه زیبا و بجا بود، که همین ترانه عام پذیر و مبارک را رسماً به حیث "سرود ملی افغانستان" اعلان می کردند، گرچه به صورت غیر رسمی، بی آن هم چنین حیثیتی را دارد!!!

زامداران دولت مستعمراتی کابل مگر چه کردند؟؟؟

ایشان سروده یک خلقی مردود و منحوسی به نام "باری جهانی" را "سرود ملی افغانها" ساختند، که جای بس تأسف است و صدها و هزاران افسوس!!! مگر حاشیه را ختم کنیم و برویم به اصل موضوع:

پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" بنا بر ضرورت زمان تأسیس گردید و خلای عظیمی را، که در طیف وبسایتهای انترنتی افغانان احساس می شد، پر کرد. چون جای چنین یک جریده انترنتی رزمنده، مبارز، استعمارشکن و خارق خرافات نوع نوع و خودسریها، واقعاً خالی بود. این پورتال ناظر بر تمام طیف شوون زندگانی افغانان در بند و اسیر کمند تجاوز و استعمار و استبداد بی بند و بار، قد برافراخت و به مبارزه برخاست:

- در سطح سیاست
- در سطح عقائد
- در سطح حقوق انسان و حقوق زنان
- در سطح فرهنگ و ادب

و

کارنامه هشت ساله پورتال شاهد حال است، و استقبال نیز در قبال!!!
و اینک استقبالیه این درویش، که در همان روز سیزدهم سپتمبر گفته شده بود. از قضاء که همان روز با
"ناظم صاحب باختری" در تماس تلفونی آمده و به اطلاع ایشان رساندم، که امروز نشیده شان را خواندم و
ارتجالاً شش بیت به استقبال سروده دلنواز شان سروده ام. بعد همان ابیات را از پشت تلفون خواندم و
عکس العمل ایشان این بود، که گفتند:

"بسیار استادانه سرودین"

امروز سه بیت دیگر بر آن افزوده و منظومه را در نه بیت در هیئت معمول "غزل" ختم کردم.
و اینک استقبالیه "خلیل معروفی" از نشیده تاپ و ناب "ناظم صاحب باختری"، که در فوق از نظر
عزیزان گذشت:

پرواز چون عقاب فلکتاز می کند

در عظمت "پورتال" سرباز و پیشتاز

آزاده گر به همت خود، ناز می کند	پرواز، چون عقاب فلکتاز می کند
پیوسته بر توان خودش، مٹکی بود	تا هر زمان، به نغمه خود ساز می کند
دیروز اگر ز عرصه ایجاد او گذشت	امروز را نگر، که چه اعجاز می کند
در هشت ساله عمر خود این رزمگاه جزم	هر لحظه را به معرکه، دمساز می کند
رازی ست آشکاره، اگر نیک بنگری	این راز با نیاز، به همراز می کند
گر دیگران حدیث به تفصیل گفته اند	این صفحه، با اشاره و ایجاز می کند
گوید سخن، به شیوه آزادگان دهر	پوید رهی، که معرکه آغاز می کند
خوش، گر کنند رخنه به دربند دشمنان	این کار را، جریده سرباز می کند

هر دم "خلیل"، یاد ز آزادگان کند

این یاد را به ساز و به آواز می کند